

قاضی نعمان و کتاب الايضاح

محمد کاظم رحمتی

ابو عثمان به ابن هیثم را فقیهان متأخر مالکی نقل نموده اند. از

۱. ر. ک: قاضی نعمان، کتاب الانتصار، تصحیح وحید میرزا (دمشق، ۱۹۵۷م) ص ۹؛ مجدوع، فهرسة، ص ۳۲، ۳۳، ۳۴. برای تحلیلی از محتوای ارجوزة قاضی نعمان ر. ک:

Nagel, "Tilman, Die Uргуza Al-Muhtara Des Qadi An-Numan", Die Welt des islam, XV, 1-4 (1977) 96-126.

۲. در مورد اسماعیلیه بنگرید به: فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه.

۳. در مورد برخورد نظامی اباضیه با فاطمیان، قیام ابویزید خارجی قابل ذکر است. ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابویزید نکاری.

۴. در متن هیون الاخبار نام وی در برخی موارد این گونه ثبت شده است: ابو عبد الله بن الاسود بن الهیثم. تاریخ الخلفاء الفاطميين بالمغرب، ص ۱۵۶ و ۱۶۸. نام کامل در ص ۲۱۱، همچنین ر. ک:

Studies in Early Ismailism, S.M. Stern (Leiden, 1983) pp.100, 101, 106.

۵. این کتاب تحت عنوان The Advent of The Fatimids توسط ویلفرد مادلونگ و پاول والکر، به چاپ رسیده است. (انتشارات تاوریس، لندن، ۲۰۰۰) اصل کتاب در دسترس نیست و تنها مقولاتی از آن در اثر مهم اسماعیلی، الازهار نوشته حسن بن نوح بهرجی (م ۹۳۹ق) برجا مانده است. ر. ک:

Poonawala, I, K, Biobibliography of Ismaili Literature, pp.181-182.

نسخه ای دیگر از این اثر را آقابرگ تهرانی مشاهده نموده است. به دلیل خطای ایوانف که اثر را تنها مجموعه ای حاوی نکات اخلاقی و نصائح معرفی کرده است، آقابرگ مؤلف را شخص دیگری و از عالمان امامی معرفی کرده است. ر. ک: اللویعه، ج ۲، ص ۳۴۰. کتاب مناظرات حاوی مجموعه خاطرات داعی اسماعیلی است که بین سال های ۳۳۲ تا ۳۳۶ق به رشته تحریر درآمده است. در مورد این کتاب ر. ک: آینه پژوهش، ش ۶۴، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۶. در مورد ابن فقیه مالکی ر. ک: طبقات علماء افریقیه، الخشنی، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، مکتبه المدبولی (قاهره، ۱۴۱۳ق) ص ۲۶-۲۸. ۶۱-۷۱؛ ریاض القوس، ابوبکر المالکی (بیسروت، ۱۹۸۳م) ج ۲، ص ۷۵-۹۶؛ معالم الايمان فی معرفة اهل قیروان، ج ۲، ص ۲۹۵-۳۱۶؛ تراجم المؤلفین التونسین، محمد محفوظ (بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۸۲م) ج ۲، ص ۱۰۵-۱۰۸. غالب اطلاعات راجع به ابن فقیه مبتنی بر نوشته خشنی می باشد، که او نیز بخشی از ردیه ابو عثمان بر ضد ابن هیثم را در اثر خود نقل کرده است. بخشی از مناظره وی با ابن هیثم در مسأله غدیر خم را ابوحیان نقل کرده است. ر. ک: امتاع والموانسة، ج ۳، ص ۱۹۵. در امتاع نام فقیه مالکی به خطا به عثمان بن خالد تصحیح شده است.

اشاره: قاضی نعمان ابو حنیفه بن محمد بن حیون از فقیهان برجسته اسماعیلی می باشد. وی بیش تر با اثر چاپ شده الدعائم، شناخته می گردد. قاضی نعمان در کتاب الاقتصار خود، گزارش کوتاهی از فعالیت های علمی خود ارائه کرده است. بنابر نوشته وی، نخستین اثر فقهی-حدیثی او، کتاب الايضاح بوده است. بعد از آن، کتاب را خلاصه کرده و متن مختصرتری به نام الاخبار گردآوری کرده است. دو کتاب الاقتصار و ارجوزة المنتخبه، تلخیص های دیگری از کتاب الايضاح می باشند. با پیدا شدن بخشی از کتاب الايضاح، این امکان فراهم شده است تا مصادر کتاب الدعائم، که حاوی احادیث مرسل است، با توجه به شاهدی بیرونی شناسایی گردد.^۱

با ظهور فاطمیان در شمال آفریقا در سال ۲۹۶ق فعالیت های جدیدی جهت تثبیت مذهب اسماعیلیه آغاز گردید. ۲ در این برهه فاطمیان می بایست، ساختار فقهی، کلامی، اداری خود را شکل دهند. قبل از این دوره توجه اصلی آن ها تلاش در به دست گیری قدرت بود. اما این مسأله، یعنی ارائه یک ساختار فقهی-کلامی با دشواری های روبرو بود. مهم ترین این دشواری ها مواجهه عالمان اسماعیلی در شمال آفریقا، با فقیهان مالکی، حنفی و خارجی (اباضی) بود. سوای برخورد های نظامی، از این مواجهات کلامی تنها، یک مورد گزارش تقریباً کاملی برجا مانده است. ۳ در مورد این حادثه، کتابی از فقهی اسماعیلی به نام ابو عبد الله جابر بن احمد بن محمد هیثم^۴ تحت عنوان المناظرات برجا مانده و به تازگی نیز به چاپ رسیده است. گرچه این اثر هم به طور کامل موجود نیست و تنها بخشی از آن برجا مانده است. ۵ بخش هایی از این اثر در اختیار داعی اسماعیلی ادریس عمادالدین (م ۸۷۲ق) بوده است و او در تألیف اثرش، عیون الاخبار از آن سود جسته است. این مجموعه حاوی استدلال هایی در مورد اثبات امامت علی (ع) و برخی رویدادهای آغازین حرکت فاطمیان در شمال آفریقا می باشد. مهم ترین درگیری این فقیه اسماعیلی با عالم مالکی ابو عثمان سعید بن محمد بن حداد (م ۳۰۲) بوده است. ۶ گزارش پاسخ های



بود. در زمان وی، به سمت قاضی القضاتی انتخاب شد. پس از

۷. بنگرید به منابع ذکر شده در پی نوشت ۴. به تازگی سمیه همدانی تحلیلی از مباحث کتاب المناظرات ارائه نموده است. ر. ک:

“The Dialectic of Power; Sunni-Shii Debates in Tenth Century North Africa”, *Studia Islamica*, 2000, pp.5-21.

این نکته قابل توجه است که در منابع اسماعیلی از ابن هشام سخنی به میان نمی آید و تنها به مناظره بین ابو عبدالله شیعی و مخالفانش اشاره می شود. تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۱۴۰.

۸. خشنی از فقیهی به نام محمد بن محفوظ (م ۳۰۶ق) نام می برد و بیان می دارد: «محمد بن محفوظ... من أهل الموزة وكان شیعياً من قبل».

طبقات علماء افریقیه، ص ۹۲، همچنین ر. ک: تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۶۳. همو در ذیل وقایع سال ۲۹۶ می نویسد: «ابو عبدالله شیعی بعد از فتح قیروان، محمد بن عمر مروزی را که کان له نظر فی الفقه من قول اهل البیت صلح و تشیع قدیم به قضاوت منصوب نمود». ص ۱۴۰. استرن، همان، ص ۱۰۱.

۱۰. استرن، همان، ص ۱۰۲. نکته با اهمیت دیگر این است که وی از طریق ابو معشر حلوانی از ملوسی نقل حدیث نموده است. ابن هشام در ادامه بیان می دارد که وی آثار فقهی فراوانی را استنساخ نموده است. استرن، همان، ص ۱۰۳؛ تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۲۱۱. خشنی تنها اشاره ای کوتاه به مقام قضاوت افلح بن هارون در دوره فاطمیان دارد. (طبقات العلماء افریقیه، ص ۹۲)

11. Mediaeval Ismaili History and Thought, ed Farhad Daffary, (Cambridge, 1996), “Al-Qadi al-Numan and Ismaili Jurisprudence”, I, K, Poonawala, pp.117-143, at p.117.

۱۲. در مورد ابن فقیه اسماعیلی و آثارش به خصوص کتاب با اهمیت الحواشی ر. ک: پوناوالا، کتابشناسی، ص ۱۸۵. به علاوه نسخ معرفی شده از کتاب الحواشی در اثر پوناوالا ر. ک:

Catalogue of Arabic Manuscripts in the Library of the Institute of Ismaili Studies, Adam Gacek, Vo.1 (London, 1984), p.43.

۱۳. دهاتم، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۷.

۱۴. دهاتم، ج ۲، ص ۲۳۵. در برخی منابع کتاب الرشده به منصور پدر جعفر نسبت داده شده است. ر. ک: پوناوالا، کتابشناسی، ص ۳۴.

۱۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۴۰. ظاهراً حتی این آثار تماماً فقهی نبوده اند، چرا که در مورد ابوحاتم ابن ندیم می نویسد: «له... کتاب جامع فیه فقه و غیر ذلک». هر چند تنها برخی از آثار ابوحاتم موجود است، در این نوشته ها می توان آشنایی و تبحر وی را در حدیث مشاهده کرد. متأسفانه ابوحاتم تنها متن احادیث را آورده است و امکان شناسایی مأخذ وی، در اکثر موارد غیر ممکن است. برای نمونه ر. ک: کتاب الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة، تحقیق حسین الهمدانی (صنعا، ۱۴۱۵ق) ص ۷۴، ۷۷، ۱۰۹، ۱۳۵، ۲۳۴، ۳۵۰.

۱۶. تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب، داعی ادریس عمادالدین (م ۸۲۷ق)، تحقیق محمد البعللوی (دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۸۵) ص ۵۶۰. در المجالس والمسایرات، قاضی نعمان می نویسد: «وخدمت المهدی بالله من آخر عمره تسع سنین وشهوراً وایاماً». همان (بیروت، ۱۹۹۶)، ص ۷۹.

مجموع این دو گزارش می توان ارزیابی دقیقی از مباحث در گرفته بین این دو ارائه نمود، چرا که در هر دو گزارش استدلال های فرد مقابل به تمامی بیان نشده است.^۷

در مورد تلاش های فقهی اسماعیلیه، قبل از سيطرة بر آفریقا، نکات اندکی وجود دارد.^۸ به نوشته ابن هشام، ابو عبدالله شیعی که نقش مهمی در به قدرت رسیدن فاطمیان داشته، خود فردی مطلع در فقه بوده است.^۹ همو از فقیه ای به نام افلح بن هارون العبانی به عنوان فردی دانشمند و صاحب تألیف در علم فقه نام می برد.^{۱۰} همان گونه که پوناوالا اشاره کرده است، در این دوره اسماعیلیان از نظر فقهی همان نظرات غالب در محل اقامت خود را دنبال می کرده اند.^{۱۱} علت اصلی این مسأله، نبود متون مدون فقهی بود، زیرا ائمه فاطمی برخلاف امامیه و زیدیه دلمشغولی به فقه نداشته اند. بنابر نوشته کتاب الحواشی (منسوب به امین جی بن جلال م ۱۰۱۰)، جعفر بن منصور الیمن آراء فقهی ای بیان نموده است که با نظرات قاضی نعمان متفاوت است. مسأله نخست در مورد تعداد رکعات صلاة السنة است که از این حیث نظر جعفر با نظر حنفیان همانند است.^{۱۲} همچنین مؤلف الحواشی نقل کرده، که جعفر بن منصور در کتاب الرشده و الهدایة بیان نموده است کسی که چهار همسر در تزویج خود دارد، نمی تواند همسر دیگری را به نکاح خود در آورد، و اگر یکی از همسران خود را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند، تمامی همسرانش بر وی حرام می گردند. در حالی که قاضی نعمان بیان می دارد، فرد با طلاق دادن یکی از همسران خود و تمام شدن عده آن زن می تواند با فرد دیگری ازدواج کند.^{۱۳} در مورد فعالیت فقهی اسماعیلیان ایران تنها ابن ندیم (م ۳۷۷) از نگارش آثاری توسط ابوحاتم رازی (م ۳۲۲) و ابوالحسین نسفی (م ۳۳۲) خبر می دهد. متأسفانه این آثار برجا نمانده اند.^{۱۴}

در کنار فعالیت های تبلیغی، نخستین عالمان حکومت نوپای فاطمیان به نگارش آثار فقهی دست یازیدند. در این میان فقیه برجسته فاطمی قاضی نعمان بن محمد بن حیون (م ۳۶۳ق) در اواخر ایام حکومت المهدی (۳۲۲-۲۹۷)، به احتمال قوی بعد از ۳۱۲، تألیف مفصل ترین اثر فقهی خود با نام الايضاح را به اتمام رساند.^{۱۵} این کتاب در ۲۲۰ باب و در بیش از ۳۰۰۰ صفحه تدوین شده بود.^{۱۶} تألیف این کتاب به دستور المهدی آغاز گردیده بود.^{۱۷} متأسفانه از این اثر مفصل تنها بخشی از کتاب صلاة برجا مانده است. به منظور استفاده افراد بیش تری از کتاب، قاضی نعمان، تلخیصی از کتاب با نام مختصر الايضاح تألیف نمود.^{۱۸} تألیف این اثر نیز به خواست خلیفه فاطمی انجام پذیرفت. درخشش قاضی نعمان در زمان المعز (۳۶۵-۳۴۱)

<

فاضلة فی کتابین احدهما فی ذکر ایامه و سیرته و الاخر فی جزالة

۱۷. ر. ک: **الاتصار**، تحقیق وحید میرزا (دمشق، ۱۹۵۷)، ص ۹؛ دعائم، ج ۱، ص ۱۰۳؛ **مجدوع**، فهرسة، ص ۳۳.
۱۸. در این مورد در چند جای **الایضاح** اشاره های صریحی وجود دارد که تألیف کتاب به دستور خلیفه فاطمی بوده است. همچنین بنگرید به: **تاریخ الخلفاء الفاطمیین** بالمغرب، داعی عمادالدین ادریس، تحقیق محمد الیعلوی (دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۸۵) ص ۵۶۰؛ فهرسة، ص ۳۲.

BSOAS, 37, 3, 1974, P.577, Not.44.

۱۹. این اثر نیز مفقود است. ر. ک: پوناوالا، **کتابشناسی**، ص ۵۲. داعی عمادالدین در مورد این کتاب می نویسد:

«کتاب **مختصر الايضاح** ... وکان ابتداءه فی تألیف هذا الكتاب علی عهد امیر المؤمنین المهدي بالله صلح بامرہ. علی ما اراه واهله وبيته له وفضله». **تاریخ الخلفاء الفاطمیین**، ص ۵۶۰؛ **مجدوع**، فهرسة، ص ۱۹۱۸.

۲۰. **تاریخ الخلفاء**، ص ۵۶۰، ۵۶۲.

۲۱. نام کامل این کتاب **اختصار لصحيح الآثار عن ائمة الاطهار** می باشد و قبل از سال ۳۴۸ ق تألیف شده است. پوناوالا، **قاضی نعمان و اصول فقه اسماعیلیه**، در تفکر اسماعیلی در قرون میانه، مجموعه مقالات گردآوری شده توسط فرهاد دفتری، ص ۱۲۳. این کتاب متداولی بین اسماعیلیان بهره بوده و نسخ متعددی از این کتاب موجود است. ر. ک: پوناوالا، **کتابشناسی**، ص ۵۴-۵۵.

۲۲. حتی این کتاب در محافل امامیه نیز مشهور بوده است. در مورد فقیه امامی معین الدین سالم بن بدران نقل شده که مصری در مسائل فقهی به کتاب **دهائم** به عنوان منبعی فقهی رجوع می کرده است. **ریاض العلماء**، ج ۲، ص ۴۱۱. همچنین ابو الفتح کراچکی (م ۴۴۹ ق) این کتاب را تلخیص نموده است. آن گونه که مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) نوشته است، برخی از معاصرانش کتاب **دهائم** را اثری تألیف شده توسط شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) می دانسته اند. مجلسی ضمن معرفی قاضی نعمان به عنوان مؤلف کتاب، به وثاقت احادیث منقول در کتاب دعائم اشاره می کند. **بحار الانوار** (تهران، ۱۳۷۶ ق) ج ۱، ص ۲۰. پوناوالا با استناد به نوشته ابن شهر آشوب که بیان می دارد، قاضی نعمان امامی نیست، آن را نشانه ای از تلقی برخی از امامیه در آن دوره دانسته که قاضی را شیعه می دانسته اند. BSOAS, 1974, pp. 572-573.

۲۳. به عنوان مثال مقدسی، که اثر خود را پس از ۳۷۵ ق نگاشته است، در مورد فقه اسماعیلیه به کتاب دعائم اشاره کرده و اکثر اصول فقه اسماعیلیه را همانند با معتزله دانسته است. **احسن التقاسیم** (دارالصادر، بیروت) ص ۲۳۸ سطرهای ۷ و ۶. ابوالقاسم بستی، عالم زیدی مشهور (متوفی حدود ۴۲۰ ق) نیز در ردیه مشهور خود بر اسماعیلیه به دعائم اشاره کرده است. Stern, op.cit., p.309. همچنین ر. ک: **راحة العقل**، حمید الدین کرمانی، تحقیق مصطفی غالب (بیروت، دارالاندلس) ص ۱۰۹.

۲۴. در کتاب **المنظرات** (ص ۷۱) از حضور فردی به نام ابن حیون در مجلس بحثی در حضور عبدالله شیعی در سال ۲۹۷ ق یاد شده است. این فرد می تواند قاضی نعمان بن محمد بن حیون باشد. وی در آن زمان در

آن در مجالسی با حضور المعز و برخی داعیان دیگر اسماعیلی کار تدوین دعائم، متن نهایی فقه اسماعیلیه را آغاز نمود. مبنای کار در دعائم، کتاب **الایضاح** بوده است. اما در این جا برخلاف **الایضاح** تنها به نقل قول مختار و حکم فقهی مورد نظر اشاره نموده و اسناد احادیث را نیز حذف نمود. ۲۰ بعد از آن متن خلاصه دیگری نیز از دعائم با نام **مختصر الآثار** یا **اختصار الآثار** تدوین نمود. ۲۱ شهرت کتاب دعائم در مدت کوتاهی پس از تدوین آن در محافل اسماعیلی نشان از اعتبار گسترده این کتاب دارد. ۲۲ حتی نویسندگان غیر اسماعیلی نیز در هنگام گزارش آراء فقهی اسماعیلیه به این کتاب اشاره نموده اند. ۲۳

در مورد قاضی نعمان (م ۳۶۳ ق) اطلاعات اندکی وجود دارد. وی در سال ۳۱۳ ق به خدمت نخستین خلیفه فاطمی عبیدالله المهدي درآمد. ۲۴ این که او در این دوره چه سمتی داشته است، نامعلوم است. تنها براساس این که به وی نگارش کتاب **الایضاح** محول شده است، شاید بتوان گفت وی جایگاه خاصی داشته است. احتمالاً او قبل از آن که به مذهب اسماعیلیه بگردد، حنفی بوده باشد. دلیل این امر می تواند خصوصیت کمتر حنفیان نسبت به مالکیان در مورد شیعیان و اقامت قاضی نعمان در قیروان، شهری حنفی مذهب باشد. ۲۵ محتملاً وی قبل از تأسیس دولت فاطمی به آیین اسماعیلیه گرویده است. براساس نوشته اسماعیل کمال پوناوالا، در کتاب **طبقات علماء افریقیه** نوشته محمد بن عبدالله خشنی (م حدود ۳۷۱)، شخصی به نام محمد بن حیان از فقهای قیروان به عنوان عالمی اسماعیلی معرفی شده است. ۲۶ ظاهراً این شخص پدر قاضی نعمان، محمد بن حیون می باشد و حیان صورت دیگر نگارشی حیون باشد. ۲۷

همان گونه که در قبل ذکر شد، اوج شهرت قاضی نعمان، زمان المعز بالله بوده است. ۲۸ در اثر چاپ نشده ای به نام **المناقب و المثالب** در عبارت کوتاهی قاضی نعمان بعد از یاد نمودن از دعوت المهدي و قدرت یابی وی می نویسد:

وكانت له من المعجزات والبراهین والایات ما یخرج ذكره عن حد هذا الكتاب ولقد ألفنا فی ذلك کتاباً وتذكر [ت] هجرته وقیامه و سیرته ودعوته وایامه فی مقدار هذا الكتاب فمن اراد استقصاء ذلك وجده فيه بتمامه وكذلك اثبتنا سیرة القائم والمنصور / ۳۶۳ / من ولده وما اقتفینا به آثاره من بعده واخبار الفتنة التي استدبرها القائم واستقبلها المنصور وكل ما جرى فی ذلك ۲۹ من خیر مذکور و امر مشهور فی کتاب ایضاً فی مقدار ذلك، فمن ابتغى ذلك اصابه فيه وذكرنا سیر المعز من بعدهم صلح و ما سمنعاه منه وتادی الینا عنه من شریف كلمة ولفظة



الفاظه و حکمته و نحن نجتمع ذلك فيها و ننظمه فی ابوابها الی
حین تألیف هذا الكتاب فمن ابتغی ایضاً شیاً من ذلك، وجده
فیها ... ۳۰

در این برهه بود که وی به منصب قاضی القضاتی منصوب
گردید؛ منصبی که بعد از مرگش در سال ۳۶۳ق در خاندان وی
موروثی گردید. ۳۱ البته پیش از این زمان نیز، وی مقام رفیعی
نزد خلفای فاطمی بدست آورده بود. قاضی نعمان در اثر دیگری
می نویسد:

ان توقیعاً خرج الی من المنصور یقول لی فیه: یا نعمان،
استخرج من کتاب الله مافرضته العامة وانکرته. فقلت فی
نفسی، وای شی فی کتاب الله یتهیأ لاحد یدین بدین الاسلام ان
ینکره ویرفضه. و تعاضمت ذلك. فرایت فی الوقت انی لا اجد
منه حرفاً ولم استحسن مراجعته. ثم استعنت بالله و علمت ان
ذلك لم یقل ولی الله الا وهو موجود. ففتحت المصحف
لاقراه، فاول ما وقفت علیه «بسم الله الرحمن الرحیم»، ذکر
قول من قال انها لیست من القرآن، فاثبت ذلك فانفتح لی القول
حتی جمعت من ذلك جزءاً فیه عشرون ورقة، فرفعته الی
المنصور فاستحسنه و اعجب به، ثم قال: تحاذ. فانهت الی
سورة المائدة من اول فاتحة الكتاب و البقرة. وقد جمعت من
ذلك ازید من ست مائة ورقة. و كان المنصور بالله صلح اذا لقیته
هدب بما رفعته الیه منه، فقال: ماتقدم لاحد مثله. ثم قبض
صلوات الله علیه و رحمته و برکاته و لم اتمه. ۳۲

اهمیت کتاب الايضاح

در مورد خاستگاه فقه اسماعیلیه به جز چند گزارش پراکنده که در
قبل ذکر شد، هیچ اطلاع دیگری، در منابع وجود ندارد. ۳۳ از
سوی دیگر متن مرسل دعائم، هویت منابع مورد استفاده در
تألیف آن را پنهان می کند. متن مسند کتاب الايضاح، به ما این
امکان را می دهد تا در مورد ماهیت و منابع فقه اسماعیلیه
اطلاعات مهمی را به دست آوریم.

در مورد حضور تشیع در شمال آفریقا قبل از ظهور دولت
فاطمی در منابع نکات قابل ذکر چندانی وجود ندارد. با این حال
شواهدی در دست است که از حضور تشیع در این نواحی قبل از
ظهور فاطمیان خیر می دهد. در مجلس بحث بین ابن هیثم و
ابو عبدالله شیعی یکی از مسائل مطرح علت حصر تعداد امامان به
دوازده بوده است. در این مورد ابو عبدالله شیعی از ابن هیثم
می پرسد: اصحاب تو که ما آنان را به امامت امام فاطمی دعوت
نمودیم، امامت را بعد از امام جعفر صادق (ع) در فرزند وی امام
موسی، سپس در فرزند وی تا محمد بن حسن (ع) محدود

می دانند. ابن هیثم پاسخ می دهد: «آری این چنین است و من

قیروان ساکن بوده است. همچنین ر. ک: BSOAS, 37, 3, 1974, p.577
ظاهرأ قاضی نعمان در ابتدا گرویدن خود به اسماعیلیه نزد برخی
دعات اسماعیلیه تلمذ کرده باشد. وی در مقدمه کتاب الهمة که در
زمان القائم تألیف نموده است، می نویسد: «یکی از اساتیدش به او
رساله ای اسماعیلی برای مطالعه داد. اما او تصور نمود که مؤلف رساله
اسماعیلی نباشد. اما استادش به وی تذکر داد که مؤلف رساله فردی
اسماعیلی است». ر. ک: الهمة، ص ۳۳.

۲۵. در مورد مذهب قاضی نعمان، مادلونگ در جایی نوشته است:
«تردیدی در مورد اظهار نظر ابن خلکان که قاضی نعمان را فردی
مالکی، گرویده به اسماعیلیه معرفی کرده است، وجود دارد. ستیز بین
مالکیان و حنفیان در شمال آفریقا که در آن زمان در اوج شدت خود
بود، این را غیر ممکن می کند که پدر قاضی نعمان بر پسر خود کنیة
مؤسس فرقه رقیب را بگذارد. در کتب طبقات فقهاء مالکی در آفریقه،
نام پدر قاضی نعمان ظاهرأ یاد نشده است. آیا وی همان فردی است که
خشنی با عنوان محمد بن حیون سوسی یاد کرده است؟ این چندان
غیر ممکن نیست. خشنی که اثرش را در اسپانیا می نگاشته است نام را
به نحو غیر دقیقی در ذهن داشته است و ابن حیان همان ابن حیون باشد.
این خطا در موارد چند دیگری نیز رخ داده است». (نک: مقاله آصف
بن علی اصغر فیضی در JRAS سال ۱۹۳۴ ص ۶ پی نوشت ۴) در آخر
مادلونگ حل این مسأله را در گرو تحقیق دقیق تری دانسته است.
JAOS, 84, 4 (1964) PP.424-425

۲۶. الخشنی، طبقات الفقهاء، ص ۷۸.
۲۷. ر. ک: دائرة المعارف اسلام (EI2) ج ۸، ص ۱۱۷. پوناوالا در مقاله ای
دیگر با عنوان بازنگری در مورد مذهب قاضی نعمان (BSOAS, 37, 1974,
3) می نویسد: «خشنی قاضی نعمان را فردی از اهل سوسه
معرفی کرده است که پیرو عقاید ابن سنحون مالکی بوده است. سپس
وی به مذهب اسماعیلیه درآمد و تقیه می نمود. عبارت عربی که
الخشنی در مورد معرفی وی به عنوان یک اسماعیلی به کار برده است،
کلمة تشرقة می باشد. براساس نوشته های موجود در آن دوران،
اسماعیلیه بیش تر با عبارات های مثل المشرقی، المشاركة شناخته
می شده اند». ر. ک: افتتاح الدعوة، ص ۷۶، ۹۳؛ ابن عذاری، البیان
المغرب، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۵۲ (فلذک سمیت دعوتهم التشریق
لا تباغهم رجلاً من اهل المشرق)، ص ۱۷۳، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹؛
ابن الاثیر، الکامل، ج ۹، ص ۲۹۵. پوناوالا، بازنگری، ص ۵۷۹.
همچنین ر. ک: الخشنی، طبقات علماء افریقه، ص ۷۸-۸۰. خشنی
فهرستی از عالمانی که به دین اسماعیلیان گرویده اند با عنوان «باب ذکر
من شرق ...» آورده است. همچنین در مورد دیگر عالمان شیعی در یان
دوره بنگرید به: همو، طبقات علماء افریقه، ص ۴۴ و ۹۱؛ «واشهر
امر ابی عبدالله ... وسمى المشرقی لقدمه من المشرق و نسب الیه من
اتبعه، فسموا المشارقة وکان اذا دخلوا حد منهم فی دعوته قبل قبل قد
تشرق». تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۹۶، ۹۸.

۲۸. قاضی نعمان در کتاب المجالس والمسایرات، گزارش های دقیقی از
احوال خود در این دوره ارائه نموده است. این مجالس با عنوان
مجالس الحکمة، کانونی برای تبلیغ و ارائه دیدگاه های اسماعیلیان
<

خود نیز بر این قول بودم، اما چهار سالی است که از آن‌ها و عقیده به این مسأله دوری گزیده‌ام. ^{۳۴}

این عبارت به وجود شیعیانی در آن نواحی دلالت دارد.

از سوی دیگر قاضی نعمان در کتاب الايضاح دو نقل از عالمی به نام ابوالحسن (ابوالحسنین) علی بن [الحسین] بن ورسند نقل نموده است. در مورد این عالم امامی در منابع رجالی سخنی به میان نیامده است. تنها نکات پراکنده‌ای در منابع جغرافیایی و کتب ملل و نحل درباره‌ی وی موجود است. براساس این منقولات وی ظاهراً بر مذهب واقفه بوده است. این منقولات نشان می‌دهد که تشیع قبل از ظهور فاطمیان در شمال آفریقا حضور داشته است. ^{۳۵}

اهمیت دیگر کتاب الايضاح در ارائه احادیث امامی است که ظاهراً به صورت‌های دیگری نیز موجود بوده‌اند، که در حال حاضر به نحو دیگری در مجامع امامی موجود می‌باشند. برخی از این تفاوت‌ها گاه اهمیت بسیاری دارد. یک مورد از این دست، روایتی از کتاب صلاة حرز بن عبدالله سجستانی به روایت حماد بن عیسی می‌باشد. در این حدیث ضمن رد اظهار کلمه آمین در نماز، علت آن عدم وجود زیادتی در کتاب خدا بیان شده است. ^{۳۶}

منابع الايضاح

ویلفرد مادلونگ در مقاله‌ای با عنوان منابع فقه اسماعیلی ^{۳۷} این منابع را معرفی نموده است. در این جا برخی نکات تکمیلی بر مطالب وی ارائه می‌گردد.

۱. کتاب حماد بن عیسی. ^{۳۸} در منابع امامیه، ابو محمد حماد بن عیسی جهنمی (م ۹۰-۲۰۸ق) بیش تر به عنوان راوی آثار حرز بن عبدالله سجستانی یاد شده است. این نکته در منقولات قاضی نعمان از این کتاب نیز انعکاس یافته است. در عبارت‌های قاضی در نقل از این کتاب اغلب این گونه بیان شده است:

«ففي كتاب حماد بن عيسى روايته عن حرز عن زرارة عن ابي عبدالله (ع).»

بر این اساس، عبارت‌های منقول در اصل از کتاب الصلاة نوشته حرز می‌باشد. ^{۳۹} کتاب الصلاة وی منبع مهم فقهای امامیه در بحث صلاة بوده است و عمده روایات وی را در همین باب صلاة در آثار فقهی خود نقل کرده‌اند. ^{۴۰} نجاشی نیز در مورد طریق خود در روایت کتاب صلاة می‌نویسد:

کتاب صلاة کبیر حرز را نزد قاضی ابوالحسن محمد بن عثمان به سماع او از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن

عبدالله موسوی از ابوالعباس عبداللہ بن احمد بن

بوده است. برای اطلاع بیش تر ر. ک: فرهاد دفتری، همان، مقاله هینز هالم، ص ۹۱-۱۱۷.

۲۹. اشاره به قیام یزید خارجی دارد. در این مورد ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابویزید نکاری، ج ۶، ص ۴۱۳-۴۱۵؛ المقفی الکبیر، ص ۱۴۶-۱۹۱؛ تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۲۶۴-۳۴۴، ۳۵۲-۴۵۱. نکته جالب توجه این است که در منابع اسماعیلی از ابویزید خارجی به دجال تعبیر می‌شود. برای نمونه ر. ک: تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳.

۳۰. المناقب والمساب، نسخه خطی، کتابخانه مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، ص ۳۶۳-۳۶۴. در مورد محتوی این کتاب ر. ک: مجدوع، فهرسة، ص ۶۵-۶۷.

۳۱. در مورد حیات قاضی نعمان و فرزندان وی ر. ک: EI2, Vol.8, 117-118؛ پوناوالا، کتابشناسی اسماعیلیه، ص ۶۸-۹۸؛ مقدمه محمد کامل الحسین بر کتاب الهمة فی آداب اتباع الائمة. (دارالفکر العربی، بی تا، بی جا) ص ۱۹-۵؛ شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۷-۸۲؛ مستلک الوسائل، ج ۱۹، ص ۱۲۸-۱۵۹؛ فهرست کتابخانه اهدایی سید محمد مشکاة، ج ۳، بخش ۳، ص ۱۳۶۵-۱۳۷۴ و ر. ک: مقالات اسماعیل کمال پوناوالا در:

BSOAS; 37, 3, 1974, PP. 572-579, BSOAS, 36, 1, 1973, PP. 109-115.

در مورد تصدی مقام قضاوت در بین خاندان وی ر. ک: پوناوالا، ۱۹۷۳، ص ۱۰۹، پی نوشت ۲؛ تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۵۵۹-۵۶۹؛ المقفی الکبیر، ص ۳۶۰-۳۶۶، ۳۸۹، ۳۹۹. در مورد مدفن قاضی نعمان، سخاوی خیر از وجود آن در زمان خود داده می‌نویسد: «و اما مزار قاضی نعمان در جهت قبله جامع معروف به اولیاء است. نعمان مؤلف کتاب‌هایی از جمله دهانم الاسلام و کتاب اللالی والدور است. عاضد به زیارت قاضی نعمان که در محله قراقة الکبری (بخشی در فسطاط که مقبره بسیاری از عالمان و زهاد در آن قرار دارد؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۵۹-۳۶۰) معروف به الجنة والنار بود، می‌رفت. قاضی روزی به عائد گفت: چون به دیدارم می‌آیی، خادم تو خیر آمدنت را برآیم می‌آورد. پس از آن عائد بدون فرستادن خادمش برای خبر دادن ورودش به نزد قاضی می‌رفت. روزی که عائد به نزد قاضی بود، او به ذکر فضائل خاندان وی پرداخت، عائد به قاضی گفت: از خود و نیاکانت برآیم سخن بگو». تحفة الاحیاب و بغیة الطالب، ص ۳۰۴. گرچه نام خلیفه ذکر شده، نادرست است.

۳۲. پوناوالا، ۱۹۷۳، ص ۱۱۱، پی نوشت، ۱۴ به نقل از المجالس والمسایرات؛ هیون الاخبار، السبع السادس، ص ۴۹؛ تاریخ الخلفاء الفاطمیین، ص ۵۶۸-۵۶۹. همچنین ر. ک: نامه المعز به قاضی نعمان، اختلاف اصول المذهب، ص ۴۶ به بعد.

۳۳. آصف علی اصغر فیضی در مقاله‌ای کوتاه با عنوان ابعاد از فقه اسماعیلیه، هفت اثر را به عنوان مراجع فقه اسماعیلیه مستعلویه (بهره داودی) معرفی می‌کند. SI, 31, PP. 81-82 این آثار عبارتند از دهانم الاسلام، الاقتصار، الینبوع، مختصر الآثار، اختلاف اصول المذهب، همگی نوشته قاضی نعمان، کتاب الحواشی منسوب به امین جی بن جلال و



۳. کتاب الصلاة من رواية ابوذر احمد بن الحسين بن اسباط . ۵۳

>

کتاب مسائل نوشته امین جی . اساس همه این آثار ، کتاب الايضاح ، نخستین اثر فقهی قاضی نعمان است . در متن موجود کتاب الايضاح ، به خوبی سهم بارز متون زیدیه و امامیه در تدوین فقه اسماعیلیه به چشم می خورد . شاید همین مسأله علت اساسی برای تدوین دعائم بوده است . با تدوین دعائم ، فقه اسماعیلیه صورت به ظاهر مستقلی به خود گرفته است . انجام این عمل تنها با حذف اساتید و مراجع امکان پذیر بوده است . گرچه عدم نقل اسناد می تواند به دلیل عدم اهمیت قائل شدن برای آن ها باشد (این نکته آخر توضیح شفاهی آقای حسن انصاری است) در مورد فقه اسماعیلیه همچنین ر . ک :

Asaf. A. A. Fyzee, Compendium of Fatimiid Law, Simla, India, 1969.

ف . کاسترو در مقاله ای با عنوان :

“Su Gasb e Taaddi nel Fiqh Fatimida”, Annali Di Ca Foscari, 16, 3, 1975, 95-100.

اشاره به این مسأله دارد که فقه اسماعیلی که قاضی نعمان آن را پی نهاد ، همانند با فقه مالکی بین غضب و تعددی تمایز می نهد و نتیجه می گیرد این ویژگی ظاهرآ به دلیل تربیت مالکی قاضی نعمان باشد .

۳۴ . المناظرات ، ص ۳۴ در جای دیگر ابن هشام بیان می دارد که پس این تغییر

در عقیده به قول واقفیان گرویده است . علت این امر را اجماع امامیه در مورد امامت ائمه تا ایشان معرفی کرده است . همان ، ص ۳۵ . از این

حیث وی همانند با منصور الیمن (افتتاح الهدوة ، تحقیق و داد قاضی ، بیروت ، ۱۹۷۰ ، ص ۲۳ ، قد قراء ... والفقه هلی مذاهب الامامیه الاثنی عشریه ، مقریزی المقفی الکبیر ، تحقیق محمد الیعلاری ۱۴۰۷ ، ص ۶۰ ،

علی بن فضل (محمد بن مالک الهمدانی ، کشف اسرار الباطنیة ، تحقیق عزت العطار ، قاهره ، ۱۹۳۹ ، ص ۲۱) ابو عبدالله شیبی (ابن خلکان ، تاریخ ، بیروت ، ۱۹۵۶-۱۹۵۹ ، ج ۴ ، ص ۶۵) و حسن صباح (تاریخ

گزیده ، حمدالله مستوفی ، تحقیق عبدالحسین نوایی ، تهران ، ۱۳۳۹ ، ص ۵۱۸) است که همگی در ابتدا از رجال امامیه بوده اند ، سپس به کیش اسماعیلیه درآمدند . همچنین ر . ک : BSOAS, 37, 3, 1974, p.573

۳۵ . مقدسی بعد از ذکر مواردی مثل ذکر قنوت در نماز صبح و بلند خواندن

بسم الله و خواندن نماز شب در یک رکعت و مسائل دیگر می نویسد : «وهذه الاصول مذاهب الادرسية و غلبتهم بکورة سوس الاقصی ...» .

احسن التقاسیم ، ص ۲۲۸ . ظاهرآ منظور مقدسی در این عبارات با بجلیه و پیروان ابن ورسند باشد . همچنین بنگرید به این عبارات ادربیسی :

«واهل السوس فرقشان ، فاهل مدينة تاروندت يتمذهبون بمذهب المالکيه من المسلمین وهم حشویه واهل بلد تویومن بمذهب موسی بن جعفر و بینهم ابدا القتال ... نزعة المشتاق فی اختراق الاقطاق ، ج ۱ ،

ص ۲۲۸ . ابن حوقل که در حدود سال ۳۷۸ ق به نگارش اثر خود مشغول بوده است ، می نویسد : «مردم سوس اقصی در مغرب غربی ، برخی

دارای مذهب سنی مالکی و برخی دیگر دارای مذهب شیعه موسوی بوده اند که سلسله امامت را پس از امام موسی الکاظم (ع) قطع کرده و به پیروان علی بن ورسند پیوستند» . ابن حوقل ، صورة الارض ، ص ۹۱ .

در مورد ورود عبیدالله المهدي نیز گزارش شده است که وی در بدو ورود خود به آفریقا نخست به سوس رفت . استرن ، همان ، ص ۱۰۵ .

<

نهیکی از ابن ابی عمیر خوانده ام . ابن ابی عمیر نیز کتاب

را نزد حماد بن عیسی خوانده است . حماد نیز کتاب را

نزد حریر سماع نموده است . ۴۱

کتاب سجستانی تا زمان ابن ادریس در دسترس بوده است .

همو بخش های موجود این کتاب را نقل کرده است . ۴۲ با این

وجود نجاشی کتابی در صلاة نیز ، به حماد نسبت داده است .

ظاهرآ این مسأله ناشی از این نکته است که گاهی راوی یک

تألیف به دلیل شهرت در روایت آن اثر به عنوان مؤلف همان

کتاب نیز شناخته می شده است . یا این که راوی بخش هایی را به

کتاب افزوده یا بخش هایی از آن را حذف کرده ، که در این

صورت ، اثرش تألیف جدیدی دانسته شده است . گرچه در

اصل ، عمده مطالب وی از همان فرد باشد ، اما منابع از او به

عنوان مؤلف آن اثر یاد کرده اند . ۴۳

۲ . کتب الجعفریه . ۴۴ اثر مشهوری ، حاوی ۱۰۰۰ حدیث

در ابواب فقهی از ائمه می باشد . راوی این مجموعه ابوعلی

محمد بن محمد اشعث کوفی است . ابن اشعث گرچه

کوفی الاصل بوده ، در مصر اقامت داشته است . ۴۵ تلعبیری در

سال ۱۴۳ ق از وی اجازه روایت دریافت کرده است . شیخ

طوسی (م ۴۶۰ ق) از این کتاب با عنوان نسخه ای یاد کرده است

که حاوی احادیثی از امام کاظم بوده است . ۴۶ محمد بن محمد

اشعث تا سال ۳۵۰ ق نیز در قید حیات بود . وی در همین سال در

مصر برای ابو احمد عبدالله بن علی الحافظ مشهور به ابن عدی

(متوفی ۳۶۵ ق) جعفریات را روایت نموده است . ۴۷ با این

حال ، قاضی نعمان در هیچ جا اشاره ای به سماع نزد ابن اشعث

نموده است . نکته قابل ذکر این است که برخی روایات منقول از

این کتاب در متن چاپی ، موجود نیست . ۴۸ این مسأله دلالت بر

وجود چند روایت و تألیف این کتاب دارد . برخلاف اظهار نظر

دانشمند محترم آقای مادلونگ که گفته «روایات این کتاب (یعنی

جعفریات) تا زمان نگارش مستدرک الوسائل الشیعه در سال

۱۳۱۵ ق به متون امامیه وارد نشده بود» باید گفت که ۴۹ کتاب

جعفریات قبل از علامه حلّی در بین امامیه شناخته شده بوده و

روایت آن نیز متداول بوده است . به عنوان مثال سهل بن احمد

دیباچی (متوفی ۳۸۰ ق) کتاب جعفریات را برای محمد بن احمد

بن فارس از محمد بن محمد بن اشعث روایت نموده است . ۵۰

همچنین ضیاء الدین فضل الله بن علی حسینی (متوفی حدود

۵۷۱ ق) در کتاب النوادر خود از جعفریات نقل روایت نموده

است . ۵۱ علامه حلّی در اجازه معروف خود به بنی زهره به طریق

دیگری جز آن چه که ضیاء الدین حسینی در النوادر آورده ، اشاره

کرده است . ۵۲

۹. کتاب المسائل من روایة حسین بن علی .^{۶۹} نام کامل

>

عبارت ابو عبدالله شیعی ظاهر اشاره به همین پیروان ابن ورسند داشته باشد که ابن هیشم احتمالاً یکی از پیروان تعالیم وی بوده است . در هر صورت در منابع از ابن ورسند به عنوان مؤسس فرقه بجلیه یاد شده است . ر. ک: E12 ذیل بجلیه، ترجمه همین مدخل در دانشنامه جهان اسلام.

۳۶. در مورد تحلیلی از اطلاعات موجود در منابع مختلف در مورد ابن ورسندر . ک: نکاتی چند در مورد تشیع غیر اسماعیلی در مغرب، در کتاب مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، ویلفرد مادلونگ، ترجمه جواد قاسمی (مشهد، ۱۳۷۵) ص ۲۳۰ به بعد . برخی مطالب منقول در این مقدمه از این مقاله نقل شده است . با این همه مطالب منقول به منبع اصلی ارجاع داده شده و به متن کتب رجوع شده است .

۳۷. الايضاح، نسخه خطی، ص ۲۵۱ . در مصادر امامی تنها قرائت کلمه آمین رد شده، اما بخش دوم حدیث ذکر نشده است .

۳۸. مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، ص ۲۵۲ به بعد .

۳۹. مادلونگ، همان، ص ۲۵۹-۲۵۸ .

۴۰. دو تدوین از این کتاب در دست بوده است . یکی مفصل و دیگری کوتاه شده . ظاهراً متن مفصل پیش تر رواج داشته است . ر. ک: رجال النجاشی، رقم ۳۷۵، ص ۱۴۵ . همچنین ر. ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۷۷؛ وسائل الشیعه، تحقیق سید محمدرضا حسینی، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۰؛ الکافی، ج ۳، ص ۳۱۱ (حماد بن عیسی قال: قال لی ابو عبدالله (ع) یوماً: یا حماد تحسن آن تصلی؟ قال: قلت: یا سیدی انا احفظ کتاب حریر فی الصلاة...) .

۴۱. ر. ک: ابواب صلاة در کتاب الکافی، استبصار، تهذیب، من لایحضره الفقیه .

۴۲. رجال النجاشی، رقم ۳۷۵، ص ۱۴۵ .

۴۳. السرائر، ج ۳، ص ۵۸۵-۵۸۹ . همچنین ر. ک: مستطرفات السرائر، ص ۷۱-۷۵ . جالب توجه این است که ابن ادریس از کتاب وی به عنوان اصل یاد می کند . همچنین ر. ک: الذریعه، ج ۲، ص ۱۴۵ .

۴۴. به عنوان مثال عبدالرحمان بن ابی نجران ضمن روایت کتاب القضا یا نوشته محمد بن قیس بجلی، مطالبی را به آن افزود، به همین دلیل در منابع از وی به عنوان مؤلف کتابی با همین عنوان نیز یاد شده است . رجال النجاشی، رقم ۶۲۲؛ الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۵۲ .

۴۵. مادلونگ، همان، ص ۲۵۹-۲۶۰ .

۴۶. رجال النجاشی، رقم ۱۰۳۱، ص ۳۷۹ .

۴۷. رجال الطوسی، ص ۵۰۰-۵۰۲ .

۴۸. تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب، تحقیق عبدالکریم الفضایل (بیروت، ۱۹۷۵م) ص ۳۵۳، ۳۵۵ . ابن عدی در مصر ابو عبدالله الحسین بن علی بن الحسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب را دیده و او را به عنوان کان شیخاً من اهل البیت بمصر و برادر ناصر اطروش یاد کرده و نظر منفی همورا نسبت به جعفریات آورده است . الکامل فی الضعفاء الرجال، ج ۶، ص ۳۰۱ .

۴۹. در مورد مؤلف این اثر ر. ک: مادلونگ، همان، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ مستروی الوسائل، تحقیق آل البیت (قم، ۱۴۱۵) ج ۱۹، ص ۱۵-۳۷ .

۵۰. فرقه ها و مکتب های اسلامی در سده های میانه، ص ۲۵۹ .

<

در مورد مؤلف این اثر تنها ابن شهر آشوب سخن گفته است که وی نیز اطلاعات را خود در مورد این فقیه ظاهر از کتاب الايضاح اخذ کرده است .^{۵۴} شاید وی با محدث مشهور امامی علی بن اسباط ارتباطی داشته باشد .

۴. جامع علی بن اسباط .^{۵۵} وی از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) (م ۲۲۰) دانسته شده است . نجاشی در بین آثار وی از کتابی به نام جامع اسم نبرده است .^{۵۶}

۵. جامع یا کتاب المسائل عبیدالله بن علی حلی .^{۵۷} این اثر تا قرن پنجم به صورت مجموعه ای در دسترس بوده است . عده ای از امامیه میافارقین از سید مرتضی (م ۴۳۶) در سؤالی پرسیده بودند: در مسائل فقهی به کدام یک از این آثار رجوع کنند؟ رساله علی بن موسی بن بابویه قمی، کتاب [تکلیف] شلمغانی یا کتاب عبیدالله حلی؟ سید در پاسخ رجوع به کتاب های ابن بابویه و حلی را ارجح از رجوع به کتاب شلمغانی دانسته است .^{۵۸}

۶. الجامع من کتب طاهر بن زکریا بن حسین .^{۵۹} به دلیل مرسل بودن منقولات احادیث این کتاب، نمی توان در مورد دوره فعالیت مؤلف آن سخن گفت .

۷. کتب ابو عبدالله محمد بن سلام بن سیار کوفی .^{۶۰} در مورد ماهیت این کتب یا اسامی آن ها قاضی نعمان توضیحی نداده است، اما بر اساس منقولات، می توان مهم ترین آن ها را امالی احمد بن عیسی بن زید (م ۲۴۷ق)^{۶۱} دانست که ابو جعفر محمد بن منصور مرادی (م ۲۹۲ق) آن را گردآوری کرده است . همچنین برخی از این احادیث از کتاب الفقه منسوب به زید بن علی (با این سلسله سند: ابو عبدالله احمد بن عیسی بن زید بن حسین بن علوان^{۶۲} عن ابی خالد الواسطی عن زید بن علی،^{۶۳}) نقل شده است . احادیثی از علی از طریق حسین بن عبدالله بن ضمیرة با این سلسله سند: زید بن احمد بن اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق عن خاله زید بن الحسین بن عیسی بن زید عن ابی بکر بن ابی اویس عن حسین بن عبدالله بن ضمیرة^{۶۴} عن ابیه عن علی (ع) روایت شده است .^{۶۵} در برخی موارد ابن سلام در سلسله روایت خود نام مرادی را حذف نموده و حدیث را مستقیماً از قول احمد بن عیسی بن زید نقل کرده است . در مورد ابن سلام، ابن عذارى در خبری کوتاه، ضمن اشاره به اقامت وی در برقه، از وفاتش در سال ۳۱۰ق خبر می دهد .^{۶۶}

۸. جامع غیاث بن ابراهیم، روایة اسماعیل عنه .^{۶۷} راوی این اثر، اسماعیل بن ابان بن اسحاق ازدی وراق (م ۲۱۶) می باشد .^{۶۸}



کتاب برگرفته از کتاب القضا یا نوشته ابو عبدالله محمد بن قیس

>

- حدیث منتخب از این کتاب را شمس الدین محمد بن یوسف جزری تألیف نموده است که این کتاب را علامه مجلسی می شناسخته است. ر. ک: میراث حدیث شیعه، ج ۴، رسالة الاربعون الزاهرة المنسوبة الى المعتر الطاهره، تحقیق محمد جواد نور محمدی، ص ۱۵۰-۱۵۱.
۵۱. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۵۲. کتاب النوادر، ص ۸۲ به بعد.
۵۳. بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۳۲. شهید اول (متوفی ۷۸۶ق) نیز یکی از آثارش اختصار الجعفریات است که در حدود ثلث آن را تلخیص کرده است و بخشی از مجموعه شهید اول است. ر. ک: شهید اول، هایة المراد، تحقیق رضا مختاری (قم)، ۱۴۱۴ق) مقدمه محقق، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴ (با تشکر از حجت الاسلام رضا مختاری).
۵۴. معالم العلماء، ص ۲۵: احمد بن الحسین بن اسباط له کتاب الصلاة. مادلونگ، همان، ص ۲۶۰.
۵۵. ابن شهر آشوب در مورد قاضی نعمان می نویسد: «وی امامی نیست با این حال کتاب های نیکویی دارد، از آن جمله ... الايضاح». معالم العلماء، (نجف ۱۳۸۰) ص ۱۲۶.
۵۶. مادلونگ، همان، ص ۲۶۰.
۵۷. رجال النجاشی، رقم ۶۶۳، ص ۲۵۲-۲۵۳. اما ابن شهر آشوب از آثار وی به کتاب جامع اشاره کرده است. معالم، ص ۶۳.
۵۸. در مورد وی ر. ک: رجال النجاشی، رقم ۶۱۲، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ مادلونگ، همان، ص ۲۶۱-۲۶۰.
۵۹. رسائل الشریف المرتضی، تحقیق سید مهدی رجایی (قم)، ۱۴۰۵ (ج ۱)، ص ۲۷۹.
۶۰. مادلونگ، همان، ص ۲۶۱. همچنین ر. ک: معالم، ص ۶۱.
۶۱. مادلونگ، همان، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ معالم، ص ۱۱۶.
۶۲. در مورد وی ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷ مدخل احمد بن عیسی بن زید، نوشته آقای حسن انصاری قمی. همچنین ر. ک: لواعع الانوار، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۵. این امالی با عنوان رأب الصدع به چاپ رسیده است.
۶۳. الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۳۵۹-۳۶۱.
۶۴. ر. ک: لواعع الانوار، ج ۱، ص ۳۲۵ به بعد.
۶۵. احادیث وی مورد استناد امامان زیدی است. از او قاسم بن ابراهیم، الهادی الی الحق، احمد بن عیسی و اسماعیل بن ابی اویس، نقل حدیث نموده اند. الفلک الدوار، ص ۱۶۸. در مورد وی ر. ک: لسان المیزان، ج ۲، ص ۵۳۴-۵۳۶؛ الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۹.
۶۶. نام کامل وی ابو جعفر محمد بن منصور بن یزید مقری مرادی می باشد. مرادی نقش مهمی در تدوین متون حدیثی زیدیه ایفا نموده است. او کتابی به نام الذکر نگاشت که در آن احادیث را بر اساس موضوع مرتب کرده است. الفلک الدوار، ص ۱۷، پی نوشت ۴. اما نقش مهم وی تألیف کتابی با عنوان کتاب هلوم آل محمد می باشد. این کتاب با عنوان بدائع الانوار فی محاسن الانوار یا امالی (رأب الصدع) احمد بن عیسی بن زید مشهور می باشد. فلک الدوار، ص ۵۶، ۱۸۰، ۲۲۸. همچنین ر. ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۴۴.
۶۷. «کان متفقاً علی مذهب الشیعه». بیان المغرب، ج ۱، ص ۱۸۸.
۶۸. مادلونگ، همان، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ معالم، ص ۸۹-۹۰.

<

راوی این کتاب ابو عبدالله حسین بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین می باشد. ۷۰ وی پیش تر به حسین شاعر (۳۱۲م) شهرت دارد. ۷۱ وی برادر حسن بن علی معروف به ناصر کبیر (۳۰۴ق) می باشد و به ابو عبدالله مصری نیز شهرت دارد. ۷۲ کتاب المسائل که وی روایت نموده است، در حقیقت همان کتاب مسائل، نوشته علی بن جعفر بن محمد عریضی می باشد. ۷۳ نجاشی (۴۵۰ق) این اثر را چنین معرفی کرده است: «کتاب فی الحلال والحرام یروی تارة غیر مبوب وتارة موباً.»

پس از آن سلسله سندهای روایت هر یک از دو صورت کتاب را ذکر می کند. ۷۴ اما در ترجمه اسماعیل بن محمد بن اسحاق این اثر را به عنوان کتاب مسائل معرفی کرده است. ۷۵ اهمیت این کتاب در این است که جزء معدود آثار امامی است که سیر تدوین متون امامی از مجموعه احادیث فاقد نظم (غیر مبوب) به کتب مدون و باب بندی شده (مبوب) را نشان می دهد. ۷۶ احادیث منقول از این کتاب به دو سلسله سند نقل شده اند:

الف. الحسین بن علی عن ابيه عن علی بن جعفر بن محمد عن اخيه موسى الكاظم (ع) عن ابيه.

ب. الحسین بن علی عن ابراهیم بن سلیمان الهمدانی ۷۷ عن اسماعیل عن العلاء [بن رزین القلاء] عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع).

نام کامل ابراهیم بن سلیمان، ابو اسحاق ابراهیم بن سلیمان بن عبد (یا عبید) الله بن حیان (یا خالد) النهمی می باشد. ۷۸ ابراهیم بن سلیمان از شیوخ حدیث، حمید بن زیاد (۳۱۰ق) بوده است. این سلسله سند افتادگی دارد و تعیین هویت اسماعیل ذکر شده در سلسله سند امکان پذیر نیست. این اسماعیل می تواند اسماعیل بن محمد بن اسحاق باشد که نجاشی از وی به عنوان کسی که راوی کتاب مسائل بوده، نام می برد. ۷۹ اما مشکل در این جا است که وی نمی تواند از علاء بن زرین مستقیماً نقل حدیث کرده باشد.

۱۰. کتاب القضا یا من روایة ابی جعفر محمد (یا احمد) بن الحسین بن حفص خثعمی. ۸۰ نام کامل وی ابو جعفر محمد بن حسین بن حفص بن عمر اشثانی کوفی (۳۱۵ یا ۳۲۷) می باشد. ۸۱ اشثانی به واسطه عباد بن یعقوب رواجی (۲۵۰م) حدیث نقل کرده است. ۸۲ رواجی مؤلف یکی از چند اصل معدود از اصول اربعمائه است. ۸۳ کتاب القضا یا گاهی با عنوان کتاب المسائل نیز مورد ارجاع قرار گرفته است. روایت های این

۱۱. کتاب القضايا من رواية احمد بن هارون بن هانی القهمی [کذا]. این فرد و کتاب وی مجهول است. ۸۵
۱۲. کتاب القضايا من رواية حسن بن حسین. سلسله سند روایت از این کتاب این گونه است: حسن بن حسین الانصاری عن علی بن القاسم الکندی عن محمد بن عبيدالله بن ابی رافع عن ابیه عن جده عن علی (ع). این در واقع سلسله روایت از کتاب السنه والاحکام والقضايا نوشته ابورافع است. ۸۶
۱۳. کتاب النهی من رواية الحسن بن جعفر. مؤلف این کتاب را آقای مادلونگ مجهول دانسته و به خطا وی را حسن بن جعفر بن قحوان معرفی کرده است و در این مورد به ابن شهر آشوب ارجاع می دهد. ۸۷ اما ابن شهر آشوب حسن بن جعفر بن قحوان را مؤلف کتابی به نام النهروان معرفی نموده و او نمی تواند مؤلف کتاب النهی باشد. ۸۸ بر اساس اسناد ذکر شده از کتاب، حسن بن جعفر می تواند حسن بن جعفر بن علی بن محمد مشهور به ابن حبابه الحسنی ۸۹ یا حسن بن جعفر بن موسی الکاظم الثائر باشد. ۹۰ اسحاق بن موسی که حسن بن جعفر از وی روایت نقل می کند همان گونه که در یک جا تصریح شده است. همان اسحاق بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق می باشد.
۱۴. کتاب اصول مذاهب الشیعه من رواية محمد بن الصلت. ۹۱ بر اساس نقل های موجود از این کتاب، ابن صلت از دایی خود محدث مشهور امامی ابن ابی عمیر یعنی ابواحمد محمد بن زیاد بن عیسی از دی (م ۲۱۷) نقل حدیث نموده است. ۹۲
۱۵. المسند. آخرین افراد در سلسله روایت از این کتاب شاید بتواند ما را در شناخت مؤلف آن کمک کند. این افراد عبارتند از: ابونعیم [فضل بن دکین (م ۲۱۹)]، احمد [بن عیسی بن زید (م ۲۴۷)]، ابوغسان [شاید مالک بن اسماعیل نهدی (م ۲۱۹)] ۹۳ نصر بن مزاحم (م ۲۱۲)، ابو خالد عمرو بن خالد واسطی (م ۱۵۰) راوی اثر مهم زیدیه با نام مسند الامام زید، صفوان بن عیسی (م ۱۹۸ یا ۲۰۸)، سعید بن سالم قدام (متوفی قبل از ۲۰۰)، ابو عاصم ضحاک بن مخلد شیبانی (م ۲۱۲) یا (۲۱۴)، حماد بن مسلمة (؟)، سعید بن ابی عروب (م ۱۵۶) یا (۱۵۷)، مخول بن ابراهیم نهدی، محمد بن عبدالملک بن ابی شوارب (م ۲۴۴)، یوسف بن یعقوب الماشجون (م ۱۸۳) یا (۱۸۵)، هشیم بن بشیر واسطی (م ۱۸۳). ۹۴ بر اساس سال وفات این افراد، احتمالاً اگر دآورنده این مجموعه فردی زیدی یا امامی در نیمه اول قرن سوم هجری باشد.
۶۹. رجال النجاشی، رقم ۸۳۳، ص ۳۰۵.
۷۰. مادلونگ، همان، ص ۲۶۳-۲۶۴.
۷۱. ابن عدی، حسین شاعر را در مصر دیده بود و از وی نقل حدیث نموده است. به عنوان مثال در الكامل فی الصغفا، ج ۲، ص ۳۵۱، وی را این گونه یاد می کند: «ابن عدی ثنا ابو عبدالله الحسین بن علی بن الحسن (در متن به خطا حسین) بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بمصر ثنا ابی...».
۷۲. ذهی، تاریخ الاسلام (۳۰۱-۳۲۰)، ص ۴۳۵؛ لباب الانساب، ابن فندق، ج ۲، ص ۵۵۷؛ المعجلی، ص ۱۵۲.
۷۳. ر. ک: مقاله ابوزید علوی و کتاب او در امامیه، نوشته آقای حسن انصاری قمی، نشریه معارف، دوره هفدهم، سال اول، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶. آقای انصاری سال فوت وی را حدود ۳۲۰ ذکر کرده اند. همچنین ر. ک: لوامع الانوار، ج ۱، ص ۳۶۸.
۷۴. رجال النجاشی، رقم ۶۶۲، و رقم ۶۰؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۲۴؛ الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۶۰.
۷۵. رجال النجاشی، ص ۲۵۲.
۷۶. همان، ص ۲۹.
۷۷. در مورد متن چاپ شده ر. ک: مقدمه محققانه آقای سید محمدرضا جلالی حسینی در آغاز کتاب؛ در مورد متون مبوب و غیر مبوب قدیمی امامیه ر. ک: فصلنامه علوم حدیث، شماره ۱۷، مقاله الاصول الاربعه، ص ۷۵-۷۷.
۷۸. در یک مورد کتاب المسائل مستقیماً به وی اسناد داده شده است. به نظر مادلونگ محتمل است که المسائل تحریف المناسک باشد. اما اگر قرائت المناسک درست باشد، در این صورت موضوع کتاب می بایستی بحث حج باشد نه صلاة.
۷۹. در مورد وی ر. ک: رجال النجاشی، رقم ۲۰، ص ۱۹-۱۸.
۸۰. «روی عن عم ابیه علی بن جعفر صاحب المسائل»، رجال النجاشی، رقم ۶۰.
۸۱. مادلونگ، همان، ص ۲۶۵.
۸۲. سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۱۷۰؛ الطوسی، الرجال، ص ۵۰۰.
۸۳. در مورد عباد بن یعقوب رواجی و گرایش مذهبی وی ر. ک: الفلک الدوار، ۱۰۳. حاکم جشمی (م ۴۹۴ق) وی را در زمرة زیدیه نام برده است. بنابر نقل متون زیدیه وی در سلسله روایت حدیثی قرار دارد که بر اساس آن علی (ع) نظر به تحریم متعه داده است. این مسأله یکی از نکات متمایز کننده فقه امامیه با زیدیه و اسماعیلیه می باشد. همچنین ر. ک: تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب، ص ۵۳۴-۵۳۵.
۸۴. در این مورد ر. ک: کلبرگ، الاصول الاربعه، ص ۱۰۶-۱۰۹.
۸۵. رجال النجاشی، رقم ۸۸۱، ص ۳۲۳.
۸۶. مادلونگ، همان، ص ۲۶۶.
۸۷. همان، ص ۲۶۶-۲۶۷؛ رجال النجاشی، رقم ۱، ص ۵-۶.
۸۸. مادلونگ، همان، ص ۳۶۷.
۸۹. معالم العلماء، ص ۳۷.
۹۰. لباب الانساب، ج ۱، ص ۲۴۶.
۹۱. لباب الانساب، ج ۲، ص ۴۴۰؛ تهذیب الانساب، ص ۱۶۱، ۱۶۲.

در مورد این فقیه امامی که قبل از ظهور فاطمیان در شمال آفریقا الحسن اقامت داشته است، در قبل سخن گفتیم.

۱۷. کتاب یوم و لیلۃ. نام مؤلف این کتاب ذکر نشده است. مؤلف این اثر می تواند ابو جعفر احمد بن عبدالله بن مهران کرخی معروف به ابن خانبه و مؤلف کتاب التادیب [نام دیگر کتاب یوم و لیلۃ] باشد. وی در نیمه اول قرن سوم حیات داشته است. همچنین ابوالقاسم معاویه بن عمار دهنی (م ۱۷۵) نیز کتابی با این نام تألیف نموده است. ^{۹۶} از شیخ طوسی (م ۴۶۰) کتابی با این عنوان باقی مانده است. در این نوع کتب مؤلف به ذکر یک دوره اعمال فقهی می پرداخته است. ظاهراً اولین تألیف این آثار مشتمل بر ذکر احادیث بوده است، اما بعدها تنها به شکل بیان کلی احکام [آثاری همانند رساله های فقهی عملیه] تغییر یافته باشد. ^{۹۷}

۱۸. کتاب علی. ^{۹۸} قبل از این نقل، متن افتادگی دارد؛ اما بررسی سلسله سند به ما امکان می دهد تا مؤلف احتمالی این اثر یا راوی این حدیث را شناسایی کنیم. این حدیث در اصل از ابراهیم بن عبدالله بن حنین نقل شده است که وی آن را به نقل از پدرش از علی (ع) نقل کرده است. ^{۹۹}

۱۹. در یک مورد برای تعیین معنای کلمه ای، قاضی نعمان از کتاب العین، نوشته عالم لغوی، خلیل بن احمد فراهیدی مطلبی را نقل می کند. براساس نوشته ادریس عمادالدین (م ۸۲۷ق) در کتاب عیون الاخبار، قاضی نعمان کتابی به نام الحروف تألیف نموده و در این کتاب راجع به خلیل بن احمد چنین نگاشته است:

وكذلك روى القاضى النعمان بن محمد فى كتاب الحروف ان الخليل بن احمد كان فى ايام الصادق بن جعفر بن محمد (ع) وانه الذى امره ان يصنع علم العروض فى اوزان الشعر والكلام واصل له فيه الاصول واره الاعلام، فمنهم اصل العلم وفرعه. ^{۱۰۰}

نسخه خطی الايضاح

نسخه خطی موجود از این کتاب نسخه ای منحصر به فرد است. اصل نسخه در اختیار عباس همدانی بوده، سپس نسخه به دانشگاه توپینگن آلمان انتقال یافته است. ^{۱۰۱} نسخه مورد استفاده ما همین نسخه می باشد که در حاشیه آن مهر دانشگاه توپینگن وجود دارد. متأسفانه نسخه دیگری از این اثر تا به حال یافت نگردیده است. ^{۱۰۲} متن تصحیح شده این رساله به زودی

در مجموعه میراث حدیث شیعه منتشر خواهد شد.

- >
۹۲. مادلونگ، همان، ص ۲۶۷-۲۶۸.
۹۳. در موردی وی ر. ک: مدخل ابن ابی عمیر، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۹۴. الکامل فی ضعف الرجال، ج ۶، ص ۲۸۲-۲۸۳.
۹۵. همان، ج ۱، ص ۹۳-۹۵.
۹۶. ضبط ورسند به شکل های مختلفی در منابع ارائه شده است. مادلونگ، همان، ص ۲۳۴، پی نوشت ۳.
۹۷. مادلونگ، همان، ص ۲۶۹. سواى افراد ذکر شده، کتاب می تواند نوشته فرد دیگری از عالمان امامی باشد. برای فهرستی از این دست آثار ر. ک: الدرر، ج ۲۵، ص ۳۰۴-۳۰۷. در شرح حال یکی از نوادگان، زید بن علی یعنی احمد بن علی بن یحیی بن زید بن علی گفته شده است که وی کتابی به نام اليوم واللیلة را روایت کرده است. العمری، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق احمد المهدوی، قم، ۱۴۰۸، ص ۱۶۶.
۹۸. رساله فی عمل اليوم واللیلة، نوشته شیخ طوسی در مجموعه الرسائل العشر (۱۴۱۴ق)، ص ۱۳۹-۱۵۲. در قرن پنجم و ششم جایگزین این نوع آثار، رساله ای کلامی فقهی با نام الجمل والعقود گردید. از این نوع آثار متون چندی بر جا مانده است. الدرر، ج ۵، ص ۱۴۴-۱۴۵. نخستین اثر از این دست اما با نام متفاوت دیگر، کتاب الهدایه نوشته شیخ صدوق می باشد.
۹۹. مادلونگ، همان، ص ۲۶۹. ایشان نظر داده اند که آخر حدیث را باید این گونه خواند: «... عن ... وهو من کتّاب علی عن علی». JNES, P.40 (1976) 35 براساس این قرائت این منبع از فهرست منابع فوق حذف می گردد.
۱۰۰. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۲۴.
۱۰۱. پوناوالا، BSOAS، ۱۹۷۳، ش ۳۶، ص ۱۱۱. ظاهراً علت توجه به آثار ابن عالم لغوی، همین بوده که اسماعیلیان وی را از شاگردان امام صادق (ع) می دانسته اند. ابوحاتم رازی نوشته است که «وسمعت بعض أهل العلم یذکر أن الخلیل بن أحمد أخذ رسم العروض عن رجل من أصحاب محمد بن علی أو من أصحاب علی بن الحسین علیهما السلام». الزینة، ص ۹۲.
۱۰۲. فهرست نسخه های هکسی کتابخانه آیه الله مرعشی (قم، ۱۴۱۱ق) ج ۱، ص ۱۳۷. در حاشیه نسخه مهری وجود دارد که از آن خانواده همدانی است و سجع «بمحمد وبعلی فیض العلی من العلی» با تاریخ ۱۲۸۴ق در آن مشهود است. مهر دانشگاه توپینگن نیز در برگ اول نسخه به چشم می خورد. این نسخه را دکتر حسین مدرسی از آلمان به ایران آورده اند.
۱۰۳. بنگرید به پوناوالا، کتابشناسی اسماعیلیه، ص ۵۱. در کتاب الحواشی، نقل قول های فراوانی از الايضاح نقل شده است، آخرین نقل قول در باب الدیات (دهائم، ج ۲، ص ۴۱۲) است. این دلالت دارد که تقریباً همه کتاب در نزد مؤلف حواشی موجود بوده است. مجدوع (فهرست، ص ۲۳) که در حوالی ۱۱۸۳ق در گذشته، بیان داشته است که تنها بخش کوتاهی از آغاز باب وضوء الايضاح در دسترس می باشد. در مورد نسخ خطی کتاب الحواشی بنگرید به قبل. همچنین ر. ک: مادلونگ، فرقه و مکتبها، ص ۲۳۳، پی نوشت ۱. از نسخه مورد استفاده ما پیش تر، زیرا کسی نیز در اختیار آیه الله شبیری زنجانی و مرحوم نمازی شاهرودی بوده است و آقای نمازی همین نسخه را در مستدرک علم الرجال، ج ۸، ص ۳۶۹ معرفی کرده اند. (فدکر حجت الاسلام آقای کمالی).